

Designing a Structural Model for Predicting Marital Adjustment based on Religious Orientation Mediated by Lifestyle

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors
Somaieh Souki¹
Abdollah Shafiabadi^{2*}
Panthea Jahangir³

How to cite this article

Somaieh Souki, Abdollah Shafiabadi, Panthea Jahangir, Designing a Structural Model for Predicting Marital Adjustment based on Religious Orientation Mediated by Lifestyle, *Islamic Life Style*. 2023; 6(4):157-166

1. Ph.D Student, Department of Counseling, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.
2. Professor, Department of Counseling, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Counseling, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: ashafiabady@yahoo.com

Article History

Received: 2022/01/20
Accepted: 2022/06/19

ABSTRACT

Purpose: The aim of this study was to design a structural model for predicting marital adjustment based on religious orientation mediated by lifestyle.

Materials and Methods: The research method was descriptive-correlation. The statistical population included all married clients to counseling centers in Tehran in the first half of 1400. By the rule of 10 people for each measured variable, the sample size was determined to be 250 people and multi-stage cluster sampling was selected using random sampling method. Modified paired adjustment questionnaire, religious orientation questionnaire and LSQ lifestyle questionnaire were used to collect data. Data analysis was performed through descriptive statistics and structural equation modeling with the help of SPSS²⁷ and AMOS²⁴ statistical software at a significance level of 0.05.

Findings: The results showed that the research model fits with the collected data. The result of modeling structural equations with the presence of mediating variables showed that there is a positive and significant relationship between internal religious orientation and lifestyle. There is a negative and significant relationship between external religious orientation and marital adjustment. Finally, the results showed that lifestyle plays a mediating role between inner orientation and marital adjustment.

Conclusion: Religious orientation is one of the effective factors in marital adjustment and lifestyle affects the effect of this factor on marital adjustment. Therefore, in order to increase marital adjustment, it is necessary to pay attention to the role of mediating variables such as lifestyle.

Keywords: Religious Orientation, Marital Adjustment, Lifestyle

طراحی مدل ساختاری برای پیش‌بینی سازگاری زنانشویی بر اساس جهت‌گیری مذهبی با میانجی‌گری سبک زندگی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

*نویسنده مسئول: ashafiabady@yahoo.com

مقدمه

از جمله مسائلی که همواره در طول تاریخ مورد توجه واقع شده است و به نوعی اساس حیات بشری بدان وابسته است، مسئله‌ی ازدواج است که به واسطه‌ی آن زوجین در ارتباطی متقابل با همسر خود قرار می‌گیرند. تعامل، بخشی اساسی در ارتباط زوجی و همچنین انواع دیگر ارتباطات انسانی است. ارتباط اعضای خانواده، به عنوان مهمترین نهاد اجتماعی که بر پایه‌ی ازدواج بنا شده است، در شکل‌گیری نگرشها و بازخوردهای اجتماعی، آمادگی و توسعه‌ی مهارتهای اجتماعی اعضای خانواده نقش بسیار مهمی دارد (۱).

در رابطه بین افراد، یکی از مؤلفه‌های مهم، سازگاری است که به صورت تمایل به برقراری ارتباط هر موجود زنده با وضع موجود یا محیط موجود تعریف می‌شود (۲). به طور اخص یکی از زمینه‌های سازگاری در زندگی انسان، سازگاری زنانشویی است. ثبات و سازگاری زنانشویی یکی از ملاک‌های موفقیت تعامل زوجین است (۳). سازگاری زنانشویی گویای وضعیتی است که در آن احساس غالبی که زوجین در رابطه‌ی زوجی شان ادراک می‌کنند، خوشبختی و رضایت از همدیگر است (۴). بنابراین می‌توان بیان کرد که سازگاری زنانشویی دوره‌ی کمال و تحول است که در آن رشد و پیشرفت زوجین مورد پذیرش و درک واقع می‌شود و در صورت عدم درک و تجربه‌ی این رشد، اتمام روابط زنانشویی پیامد حتمی خواهد بود (۵). پژوهش‌های متعددی با محوریت بررسی روابط زوجین در ابعاد گوناگون انجام شده که تصریح نموده‌اند سازگاری زنانشویی در زندگی زوجین پیامدهای مثبت فراوانی داشته و عدم سازگاری آن‌ها باهم پیامدهای آسیب‌زایی بر سلامتی و رابطه‌ی آنان به دنبال خواهد داشت (۳).

یکی از عواملی که به باور پژوهشگران می‌تواند در زندگی زنانشویی تاثیر گذار باشد، عامل مذهب است (۶). دیلون بر این باور است مذهب به عنوان یکی از منابع اصلی ارزش‌ها و اخلاقیات افراد جامعه در معنا بخشی به زندگی نقش اساسی ایفا می‌کند و می‌تواند در مراحل ارزیابی اولیه‌ی عوامل تهدیدکننده زندگی و موجودیت شخصی مداخله داشته باشد و به عنوان یک عامل میانجی عمل کند. همچنین در مراحل ارزیابی مجدد و پس از وقوع مشکل می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد و امیدواری و معنی‌جویی بیشتری را در فرد ایجاد کند (۷).

تحقیقات متعدد نشان داده است که مذهب به معنای وسیع کلمه می‌تواند آثار بحران‌های شدید زندگی را تعدیل کند و اعتقادات معنوی یک موضوع جالب برای مبارزه با مشکلات است (۸). به نظر پژوهشگران یکی از خصوصیات ویژه هر فرد در کنار ویژگی‌هایی از قبیل تعهد، قدردانی، بخشش، توانایی مقابله با بحران (مساله)، نقش‌ها و وظایف تعریف شده، بعد معنویت و جهت‌گیری دینی یا مذهبی است (۹). همچنین جهت‌گیری مذهبی افراد را می‌توان معادل دین‌ورزی و یا دین‌داری نیز در نظر گرفت.

سمیه سوکی^۱

دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

عبداله شفیق آبادی^{۲*}

استاد، گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

پانته آجهانگیر^۳

استادیار، گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل ساختاری برای پیش‌بینی سازگاری زنانشویی بر اساس جهت‌گیری مذهبی با میانجی‌گری سبک زندگی انجام شد.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل همه مراجع کاندگان متاهل به مراکز مشاوره شهر تهران در نیمه اول سال ۱۴۰۰ بود. از طریق قاعده ۱۰ نفر به ازای هر متغیر اندازه‌گیری شده حجم نمونه به تعداد ۲۵۰ نفر تعیین شده و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های سازگاری زوجی اصلاح شده، پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی و پرسشنامه سبک زندگی LSQ استفاده شد. تحلیل داده‌ها از طریق شاخص‌های آمار توصیفی و مدل‌یابی معادلات ساختاری با کمک نرم افزارهای آماری SPSS27 و AMOS24 در سطح معناداری ۰/۰۵ انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد مدل پژوهش با داده‌های جمع‌آوری شده برازش دارد. نتیجه مدل‌یابی معادلات ساختاری با حضور متغیر میانجی نشان داد که بین جهت‌گیری مذهبی درونی و سبک زندگی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و سازگاری زنانشویی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. بین سبک زندگی و سازگاری زنانشویی نیز رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد. در نهایت نتایج نشان داد سبک زندگی بین جهت‌گیری درونی و سازگاری زنانشویی نقش میانجی دارد.

نتیجه‌گیری: جهت‌گیری مذهبی از عوامل موثر در سازگاری زنانشویی است و سبک زندگی اثر این عامل را بر سازگاری زنانشویی تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین جهت افزایش سازگاری زنانشویی، توجه بر نقش متغیرهای واسطه‌ای از جمله سبک زندگی ضروری است.

واژگان کلیدی: جهت‌گیری مذهبی، سازگاری زنانشویی، سبک زندگی

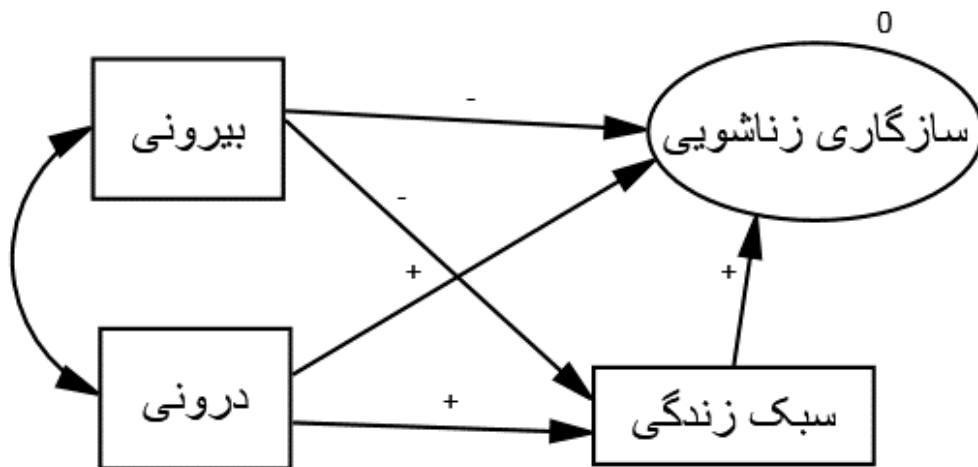
¹ Dillon, D. G

تسهیل و تجهیز می‌کند، تجاربش را ارزشیابی و درک و سپس پیش‌بینی و کنترل می‌کند. همچنین سازمان جهانی بهداشت سبک زندگی سالم را تلاش برای دستیابی به حالت رفاه کامل جسمی، روانی، و اجتماعی توصیف کرده است. سبک زندگی سالم شامل رفتارهایی است که سلامت جسمی و روانی انسان را تضمین می‌کنند. به عبارت دیگر، سبک زندگی سالم دربردارنده ابعاد جسمانی و روانی است. بعد جسمانی شامل تغذیه، ورزش، و خواب است و بعد روانی شامل ارتباطات اجتماعی، مقابله با استرس، روش‌های یادگیری و مطالعه، و معنویت است (۱۴). امروزه سبک زندگی و اهمیت آن به صورت یکی از مسائل مهم روانشناختی در آمده است. انتخاب سبک زندگی، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، آینده فرد را رقم می‌زند. سبک زندگی فرد، عامل مختلفی از جمله ورزش، تغذیه، اوقات فراغت، نگرش و شیوه برخورد با استرس را در بر می‌گیرد که عواملی مانند ورزش منظم و عادت به تغذیه سالم در دجه اول اهمیت قرار دارند. به نظر می‌رسد که سبک زندگی نقش تعیین‌کننده‌ای در رابطه زناشویی داشته باشد (۱۵).

با توجه به اهمیت کارکرد متعادل خانواده و جلوگیری از متلاشی شدن آن، شناخت عوامل مرتبط با سازگاری زناشویی که پایه‌ی استحکام بخش زندگی خانوادگی است، ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین در صورت توجه به عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی، توجه به سبک‌های زندگی و جهت‌گیری مذهبی همسران می‌توان انتظار داشت با کاهش تنش‌های زناشویی و افزایش سطح سازگاری بسیاری از مشکلات روانی، عاطفی و اجتماعی خانواده‌ها و جامعه کاهش یابد. همچنین با ارتقاء سطح سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی، افراد جامعه با آرامش خاطر بیشتر به رشد و تعالی و خدمات اجتماعی فرهنگی و اقتصادی خواهند پرداخت و خانواده‌ها نیز از این پیشرفت سود خواهند برد. با توجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر درصدد است تا با طراحی مدل ساختاری به پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس جهت‌گیری مذهبی با میانجی‌گری سبک زندگی افراد متاهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر تهران بپردازد.

جهت‌گیری مذهبی^۱ به منزله مرجعیت بخشیدن به ساختار روابط و مناسبات انسان در تمام ابعاد آن، در پرتو رابطه انسان با خدا تعریف شده است. نگرش‌ها و باورهای مذهبی شیوه‌های مؤثری برای مقابله با مصائب، تجارب دردناک و نشانه‌های بیماری است و همچنین در زمان مشکل و ناراحتی‌ها بر چگونگی روابط انسانی اثر می‌گذارد و رابطه مثبتی با سلامت روان (۱۰) سلامت ادراک از خویشتن (۱۱) دارد. به عبارت دیگر مذهب نیروی بالقوه اجتماعی است که می‌تواند گروه‌های اجتماعی را یکپارچه سازد یا آنها را علیه یکدیگر بشوراند. همچنین نیروی روانشناختی است که جنبه‌های مختلف زندگی فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۱۲). آلپورت^۲ دو نوع جهت‌گیری مذهبی نسبت به دین را مطرح کردند: جهت‌گیری درونی و بیرونی. به نظر آنان شخصی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارد با مذهبش زندگی می‌کند، انگیزه‌های اصلی خود را در مذهب می‌یابد. چنین اشخاصی شخصیتشان با مذهب یکی می‌شود. به عبارت دیگر چنین افرادی به سمت خداوند می‌روند بدون اینکه از خود روی بگردانند. اما اشخاصی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند از مذهبشان استفاده می‌کنند. برای رسیدن به اهدافی دیگر به سمت مذهب می‌روند و مذهب به عنوان ابزاری برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد (۱۳).

از سوی دیگر سبک زندگی، الگوی زندگی فرد است که در فعالیت‌ها، دلبستگی‌ها و افکار شخصی بروز می‌کند. سبک زندگی، تکیه‌کلام نظریه شخصیت آدلر است و مشخص‌ترین بعد روانشناسی فردی است. شخص بر اساس شیوه زندگی خاص خود ایفای نقش می‌کند. سبک زندگی آدلر تعیین‌کننده‌ی همتایی شخصیت فرد و ارائه‌دهنده اندیشه و افکار آدلر است. در واقع مهم‌ترین عاملی است که انسان زندگی‌اش را بر اساس آن تنظیم می‌کند و حرکتش را در جهان و زندگی مشخص می‌کند. به عقیده آدلر سبک زندگی عقاید، طرح‌ها و نمونه‌های عادی رفتار، هوی و هوس‌ها، هدف‌های طول‌مدت، تعیین شرایط اجتماعی و یا شخصی‌ای است که برای تأمین امنیت خاطر فرد لازم است. همچنین فرد به کمک نقشه‌شناختی خویش حرکتش را در طول زندگی



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

²Allport, G. W. & Ross, M. J. Jr

¹ religious orientation

مواد و روش ها

پژوهش حاضر از نظر هدف یک پژوهش بنیادی و از حیث نوع داده ها پژوهشی کمی از نوع رابطه ای و از نظر روش اجرا توصیفی-همبستگی است که با روش مدل یابی معادلات ساختاری انجام شده است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه مراجعه کنندگان متاهل به مراکز مشاوره شهر تهران در شش ماه اول سال ۱۴۰۰ است. مایرز و همکاران (۱۶) نسبت ۱۰ تا ۲۰ آزمودنی به ازای هر پارامتر را توصیه می کنند. از این رو حجم نمونه حاضر ۱۰ نفر برای هر پارامتر تعیین می شود. با در این پژوهش ۲۱ متغیر داریم، حجم نمونه ۲۱۰ نفر می باشد، که با توجه به ریزش ها و با احتساب ۲۰ درصد احتمال افت نمونه، ۲۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد. با توجه به گستردگی جامعه آماری برای نمونه گیری از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای استفاده شد. ابتدا مراکز مشاوره فعال در شهر تهران را به ۵ بخش شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب تقسیم شد و سپس از هر یک از این مناطق ۲ یا ۳ منطقه و از هر یک از مناطق دو یا سه مرکز به صورت تصادفی انتخاب شد. ملاک های ورود به پژوهش متاهلیتی که حداقل ۲ سال از ازدواجشان گذشته باشد و سطح تحصیلات آنان از دیپلم تا کارشناسی ارشد باشد.

ابزارهای پژوهش عبارتند از:

پرسشنامه ی سازگاری زوجی اصلاح شده^۱

در این پژوهش پرسشنامه سازگاری زوجی اصلاح شده جهت ارزیابی کیفیت زناشویی استفاده شد. این پرسشنامه توسط باسی، کران، لارسن و کریستنسن در سال ۱۹۹۵ ساخته شده است و دارای ۱۴ سؤال است که هر سؤال بر اساس مقیاس لیکرت ۶ تایی از دامنه کاملاً مخالفم (صفر) تا کاملاً موافقم (۵) تنظیم می شود. سؤالات ۷-۱۴ به صورت عکس نمره گذاری می شوند. این ابزار از سه خرده مقیاس- همفکری و توافق، رضایت، انسجام تشکیل شده است که در مجموع نمره کیفیت زناشویی را نشان میدهند و نمرات بالا نشان دهنده ی کیفیت زناشویی بالاتر است. تحلیل عاملی تأییدی، ساختار سه عاملی پرسشنامه را در آمریکا تأیید کرده و روایی آن را نشان داده است. پایایی پرسشنامه به شیوه ی آلفای کرونباخ در مطالعه ی هولسیت و میلر (۱۷) از ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ گزارش شده است. یوسفی، ضرایب پایایی همسانی درونی از جمله آلفای کرونباخ و تصنیف برای ۱۴ ماده و سه عامل در کل پرسشنامه را به ترتیب (۰/۹۲) و (۰/۸۹) گزارش کرد. (۱۸)

پرسشنامه جهت گیری مذهبی (درونی - بیرونی)

آلپورت و راس (۱۳) این مقیاس را برای سنجش جهت گیری درونی و بیرونی مذهب تهیه کردند و از ۱۶ سالگی به بالا قابل اجراست. پرسشنامه دارای ۲۱ سوال چهار گزینه ای (کاملاً مخالفم، تقریباً مخالفم، تقریباً موافقم، کاملاً موافقم) است و به صورت لیکرتی از ۱ تا ۴ نمره گذاری می شود. عبارات ۱ تا ۱۲ جهت گیری مذهبی بیرونی و عبارات ۱۳ تا ۲۱ جهت گیری مذهبی درونی را می سنجد. همسانی درونی این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۱ به دست آمده و پایایی بازآزمایی آن ۰/۷۴ است (۱۹). برای بررسی روایی در تحلیل مؤلفه های اصلی از چرخش ابلیمین استفاده شد و ساختار ساده دو عاملی به دست آمد که به ترتیب ۱۴/۰۲ و ۲۸/۰۶ درصد از واریانس جهت گیری مذهبی را بیان می کند (۲۰).

پرسشنامه سبک زندگی (ال اس کیو)

این پرسشنامه دارای ۷۰ سوال بوده و هدف آن ارزیابی ابعاد مختلف سبک های زندگی (سلامت جسمانی، ورزش و تندرستی، کنترل وزن و تغذیه، پیشگیری از بیماری ها، سلامت روان شناختی، سلامت معنوی، سلامت اجتماعی، اجتناب از داروها و مواد مخدر، پیشگیری از حوادث و سلامت محیطی) است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت بوده است. در پژوهش لعلی و همکاران (۲۱) با استفاده از آزمون تحلیل عاملی روایی سازه پرسشنامه سبک زندگی را به منزله ابزاری چند بعدی برای ارزیابی و اندازه گیری سبک زندگی مورد تأیید قرار دادند. همچنین پایایی مؤلفه های پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ بیشتر از ۰/۷۰ و پایایی کل پرسشنامه ۰/۸۷ گزارش شده است.

در این پژوهش برای توصیف داده ها از روش های آماری توصیفی شامل شاخص های مرکزی، پراکنندگی و همچنین برای بررسی سوالات پژوهش از روش مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شد. در پژوهش حاضر جهت رعایت اخلاق حرفه ای، محرمانگی اطلاعات کلیه شرکت کنندگان کاملاً حفظ شد. همچنین توضیحات کامل در مورد هدف و نحوه اجرای پژوهش به آنان داده شد تا با رضایت و آگاهی کامل در انجام پژوهش شرکت کنند.

یافته ها

حجم نمونه نهایی تحقیق حاضر پس از کنار گذاشتن پرسشنامه های ناقص، شامل ۲۳۸ نفر بود. متغیر وابسته اصلی در تحقیق حاضر متغیر سازگاری زناشویی بود. در جدول زیر شاخص های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش ارائه شده است:

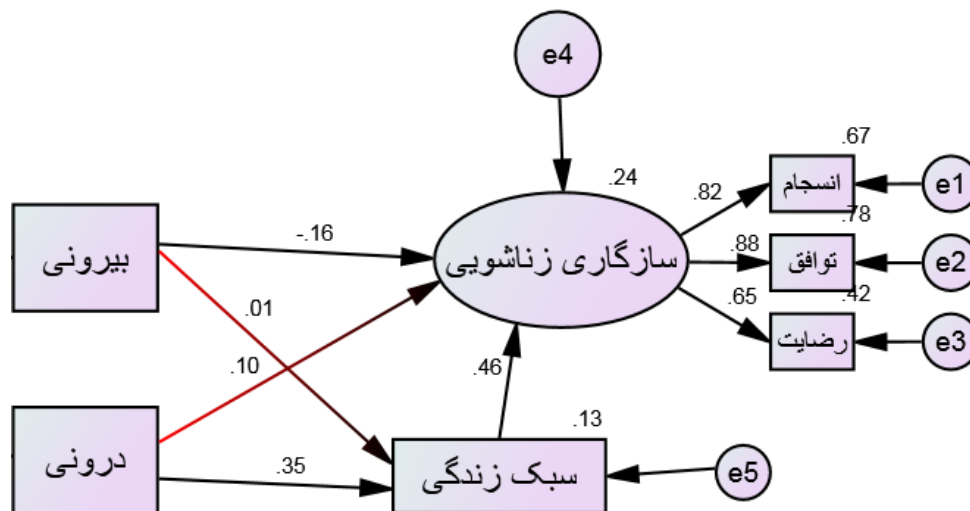
جدول ۱. شاخص های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش (N=۲۳۸)

متغیر	تعداد سوال	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
بیرونی	۱۲	۳۳/۰۳	۵/۷۹	۰/۰۲۴	-۰/۰۴۲	۱۸	۴۸
درونی	۹	۲۶/۲۱	۴/۳۹	-۰/۳۴۱	-۰/۴۲۹	۱۵	۳۵
سبک زندگی	۷۰	۱۵۱/۵۴	۲۲/۱۷۷	-۰/۲۰۰	-۰/۲۴۳	۸۵	۲۰۴
سازگاری زناشویی	۱۴	۵۰/۲۱	۱۰/۹۳	-۰/۸۸۵	۰/۴۳۲	۱۵	۶۹

^۱ RDAS

نتایج برازش مدل ساختاری پژوهش حاضر (یا مدل میانجی) در شکل ۱ ارائه شده است. آزمون برازش مدل پس از تایید وجود مفروضه‌های نرمال بودن تک متغیری از طریق شاخص‌های کجی و کشیدگی (دامنه +۱ الی -۱)، نرمال بودن چندمتغیری از طریق شاخص مردیا (کوچکتر از ۳)، حجم نمونه مناسب و وجود روابط خطی بین متغیرها از طریق رسم نمودار پراکنش و همچنین تایید مدل اندازه‌گیری‌های مکتون صورت گرفت:، مورد بررسی قرار گرفت:

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین نمره کل سازگاری زناشویی برابر با ۵۰/۲۱ با انحراف معیار ۱۰/۹۳ است. دامنه تغییرات متغیر نیز بین ۱۵ الی ۶۹ قرار دارد. میانگین جهت‌گیری مذهبی بیرونی، برابر حدوداً ۳۳ بوده و میزان پراکندگی این متغیر برحسب شاخص انحراف معیار مساوی ۵/۷۹ واحد است. طبق داده‌های جدول فوق میانگین نمره کل سبک زندگی نمونه تحقیق برابر ۱۵۱/۵۴ است. شاخص‌های کجی و کشیدگی همه متغیرها نیز در محدوده +۱ الی -۱ قرار دارند و این نشان می‌دهد که توزیع این مولفه‌ها نرمال است.



شکل ۱: مدل مفروض پژوهش (مدل میانجی) در حالت بتای استاندارد

در جدول زیر شاخص‌های برازش مدل ارائه شده است.

جدول ۲: شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری پژوهش

شاخص‌های برازندگی	χ^2	df	χ^2/df	RMSEA	GFI	IFI	NFI	CFI
مدل پژوهش	۵/۶۴	۶	۰/۹۴۱	۰/۰۰۱	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۸۷	۰/۹۹
مقدار قابل قبول	نزدیک به صفر	-	زیر ۳	< ۰/۰۸	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰

در جدول شماره ۳ معناداری ضرایب مسیر غیراستاندارد بین متغیرها و سازه‌های موجود در مدل ارائه شده است:

شاخص‌های برازندگی مدل پژوهش در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که همه شاخص‌های برازش از مقادیر قابل قبولی برخوردارند و میزان برازش مدل در سطح عالی قرار دارد.

جدول ۳: معناداری ضرایب غیراستاندارد مستقیم بین متغیرهای مدل

از متغیر	به	متغیر	بتای غیراستاندارد b	خطا (S.E)	نسبت بحرانی (C.R)	مقدار احتمال p
جهت‌گیری درونی	←	سبک زندگی	۲/۳۸	۰/۴۷۴	۵/۰۳۲	۰/۰۰۱
جهت‌گیری بیرونی	←	سبک زندگی	-۰/۰۲۹	۰/۲۵۴	۰/۱۱۴	۰/۹۰۹
جهت‌گیری بیرونی	←	سازگاری زناشویی	-۰/۰۸۴	۰/۰۳۸	-۲/۲۱۹	۰/۰۲۶
جهت‌گیری درونی	←	سازگاری زناشویی	-۰/۰۹۸	۰/۰۷۴	۱/۳۲۷	۰/۱۸۵
سبک زندگی	←	سازگاری زناشویی	-۰/۰۶۷	۰/۰۱۰	۶/۵۴۴	۰/۰۰۱

طبق نتایج گزارش شده در جدول شماره ۳ بین جهت گیری مذهبی درونی و سبک زندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین جهت گیری مذهبی بیرونی با سازگاری زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین بین سبک زندگی با سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

برای بررسی نقش میانجی سبک زندگی در ارتباط بین جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی با سازگاری زناشویی از روش بوت استرپ^۱ (خودگردان سازی) استفاده شد. در جدول شماره ۴ ضرایب استاندارد مستقیم، غیرمستقیم و کل بین متغیرها ارائه شده است. همچنین میزان واریانس تبیین شده متغیرهای وابسته در مدل نیز ارائه شده اند:

جدول ۴: اثرات استاندارد مستقیم و غیرمستقیم و کلی متغیرهای اصلی پژوهش در مدل میانجی

از سازه	به سازه	اثر مستقیم (مقدار sig)	اثر غیر مستقیم (مقدار sig)	اثر کل (مقدار sig)	واریانس تبیین شده
جهت گیری درونی		۰/۱۰-۰/۱۵۰	۰/۱۶۲-۰/۰۱۸	۰/۲۶۳-۰/۰۰۹	۰/۲۴
جهت گیری بیرونی	سازگاری زناشویی	۰/۱۶۰-۰/۰۲۴	۰/۰۰۴-۰/۰۹۰۲	۰/۱۵۶-۰/۰۵۲	

بر اساس داده های جدول ۴ ضریب غیر مستقیم متغیر جهت گیری درونی با سازه وابسته اصلی مدل یعنی سازگاری زناشویی از طریق متغیر میانجی در سطح ۰/۰۵ معنادار هست. بنابراین سبک زندگی در ارتباط بین جهت گیری مذهبی درونی با سازگاری زناشویی نقش میانجی دارد. نتایج ارائه شده در ستون آخر جدول نیز نشان می دهد حدود ۲۴ درصد از واریانس سازگاری زناشویی از طریق متغیرهای موجود در مدل تبیین می شود.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل ساختاری برای پیش بینی سازگاری زناشویی بر اساس جهت گیری مذهبی، تنظیم شناختی هیجانی با میانجی گری سبک زندگی متاهلین انجام شد. نتایج حاصل از آزمون مدل ساختاری زناشویی بر اساس مؤلفه های جهت گیری مذهبی با میانجی گری سبک زندگی در افراد متاهل نشانگر برازش مدل با داده های جمع آوری شده بود. این یافته تا حدودی منطبق بر یافته های سلم آبادی (۲۲) و نتایج پژوهش علی نژادی (۲۳) است یافته های پژوهش های مذکور حاکی از آن بود که مدل ناسازگاری زناشویی با توجه به سبک زندگی و جهت گیری دینی در زوج های متقاضی طلاق شهر تهران از برازش مطلوبی برخوردار است.

در تبیین این یافته ها می تون گفت جهت گیری های مذهبی در روابط زوجین اثرگذار است. همچنین جهت گیری های مذهبی با در نظر گرفتن سبک زندگی بر روی سازگاری زناشویی تاثیر دارد. افراد مذهبی به دلیل باورهای مذهبی از سازگاری زناشویی بالاتری برخوردار هستند. باورهای مذهبی در تقویت فرایند حل تعارض و گذشت و بخشندگی تاثیر دارند که می تواند سبک زندگی و سازگاری زناشویی را تحت تاثیر قرار دهد.

نتایج نشان داد رابطه منفی و معناداری بین جهت گیری بیرونی و سازگاری زناشویی وجود دارد. این یافته در راستای یافته های روین تن (۲۴) می باشد که نشان داد جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی با سازگاری زناشویی معلمان رابطه معناداری دارد. همچنین این نتایج در تایید یافته های کاسلو و رایبسون (۲۵) که در مورد ارتباط

مذهب و روابط زناشویی انجام گرفته، نشان داد که بالاترین رضایت زناشویی در بین زوجینی بود که در زمینه فلسفه زندگی، تصورات آن ها از رضایت در روابط جنسی، میزان وقتی که باهم می گذرانند و چگونگی گذراندن اوقات فراغت با هم همگن بودند.

در تبیین این یافته ها می توان گفت افراد برانگیخته شده ی بیرونی، مذهب را به دلیل منافع شخصی مورد استفاده قرار می دهد. این افراد در واقع از مذهب شان استفاده می کنند. برای رسیدن به اهدافی دیگر به سمت مذهب می روند و مذهب به عنوان ابزاری برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می گیرد در حقیقت، جهت گیری مذهبی بیرونی یک نوع نگرش دینی است که فایده نگرانه و در خدمت شخص و حفظ منافع اوست (۱۳).

نتایج نشان داد در مدل ساختاری بین جهت گیری مذهبی درونی و سازگاری زناشویی در افراد متأهل رابطه وجود ندارد. این یافته ها بر خلاف یافته های حمیدلو (۶) می باشد که نشان داد میان جهت گیری مذهبی و سازگاری زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد. البته علت عدم معناداری به خاطر نقش میانجی سبک های زندگی در ارتباط بین جهت گیری مذهبی درونی با سازگاری زناشویی بوده است. در تحقیق حاضر نیز پس از حذف متغیر میانجی ارتباط معنادار و مثبتی بین این دو متغیر مشاهده شد.

در تبیین رابطه مثبت جهت گیری مذهبی درونی با سازگاری زناشویی می توان بیان کرد که پایبندی های مذهبی زوج می تواند باعث ایجاد اعتماد و احترام متقابل شده و سازگاری زناشویی را افزایش دهد. عدم پایبندی به مسائل مذهبی می تواند بی تعهدی را در رفتار زوج ایجاد کرده و از این طریق، باعث کاهش سازگاری زناشویی گردد (۲۶). برای افرادی که دارای جهت گیری مذهبی درونی هستند، مذهب درونی به عنوان یک چارچوب دارای معناست که بر اساس آن همه زندگی قابل درک و فهم است. برای اشخاص دارای مذهب درونی ترحم و رقت قلب که تعصب را از بین می برد همانند اعتقاد به خدا ضروری و اصلی است.

نتایج نشان داد رابطه مثبت و معناداری بین سبک زندگی و سازگاری زناشویی در افراد متاهل وجود دارد و این فرضیه تایید شد.

¹ bootstrapping

تلاش می‌کند که جنبه‌های غیر الهی و سکولار زندگی را با ایمان و ابعاد روحانی خود سازگار کند (۳۱).

برای اشخاصی که دینداری درونی هستند، نیازهای غیر دینی هر چه قدر هم که مهم باشد اهمیت غایی کمتری دارد. این افراد سعی می‌کنند تا آنجا که می‌توانند نیازها را با باورها و تکالیف دینی خود هماهنگ سازند. معتقد بودن یک آیین، فرد را برای درونی ساختن و پیروی کامل از آن بر می‌انگیزد. افراد با چنین انگیزه‌ای از دینشان استفاده نمی‌کنند، بلکه با آن زندگی می‌کنند. آدلر نیز وظیفه چهارمی غیر از وظایف سه‌گانه زندگی (سازش یا کنار آمدن) برای انسان‌ها تعریف نمود که وظیفه معنوی یا وجودی است و معنا دهنده‌ی زندگی است.

افراد در این نوع جهت‌گیری مذهبی، کسانی هستند که دینداری در آنها انگیزه برتر است و اعتقاد به خدا، زیر بنای اعمال، رفتار آنها را تشکیل می‌دهد. آنها خدا را نه فقط از روی میل به کسب چیزی عبادت می‌کنند بلکه هدف آنها تقدس و سپاس از خداست. دیندارانی که خداپرستند، نه بهشت پرست و لذت پرستش دینشان فقط در بهشت و جهنم و ارضای نیازهایشان خلاصه نمی‌شود (۳۴). کسانی که به تعالی معنوی رسیده باشند در همدلی، درک، مسئولیت‌پذیری و انعطاف‌پذیری توفیق بیشتری خواهند داشت و توانایی برای بهبود روابط و تعاملات خود بیشتر است. جهت‌گیری معنوی موجب افزایش مشارکت کلامی، افزایش میزان شادکامی، عواطف مثبت مانند خوش‌خلقی، مهربانی و آرامش، کاهش چشمگیر پرخاشگری کلامی و تعارض‌ها و اختلافات زناشویی شده و در نهایت سبب فزونی سازگاری زناشویی می‌شود.

در نهایت نتایج نشان داد سبک زندگی در ارتباط جهت‌گیری مذهبی درونی با سازگاری زناشویی نقش میانجی دارند، اما نقش میانجی سبک زندگی در ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و سازگاری زناشویی تایید نشد. این یافته‌ها تا حدودی در راستای یافته‌های رفیع‌خواه، نقی‌زاده و فیضی (۳۵) می‌باشد. یافته‌های ایشان نشان داد که سبک زندگی اسلامی در رابطه بین باورهای مذهبی و کیفیت زندگی، نقش میانجی را ایفا می‌کند.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت سبک زندگی به ما کمک می‌کند تا زندگی را بهتر درک کنیم، درمورد موجودات فکر کنیم، ارتباط برقرار نموده، کاوش کنیم و فرضیه بسازیم، احساسات خود را درمورد زندگی و ارتباط مردم با آن پرورش دهیم. سبک زندگی، فرصت‌هایی برای ما فراهم می‌کند تا زندگی را کنترل کنیم. اگر چه طبیعی است که هیچ‌کس نمی‌تواند زندگی را به طور کامل کنترل کند ما در عمل، می‌توانیم آن را تا حدی کنترل کنیم و تا حدودی می‌توانیم آنچه را بخواهیم به دست آوریم. از اتفاقاتی که می‌خواهد رخ دهد جلوگیری کنیم و موقعیت‌هایی به وجود آوریم تا راه زندگی مان را پیدا کنیم.

به اعتقاد رفیع‌خواه و همکاران (۳۵)، سبک زندگی در واقع جنبه عملی باورها و عقاید انسانها را نمایان می‌سازد، به طوری که می‌توان توسط نوع رفتار هر فرد، به افکار و عقاید او پی برد. افکار به طور کلی یا از عقاید اصیل هر فرد نشأت می‌گیرند یا تحت تاثیر هنجارها و اصولی هستند که جامعه معین کرده است. در رابطه با عقاید مذهبی نیز این موضوع صدق می‌کند. اعتقادات دینی و مذهبی

این یافته‌ها در راستای یافته‌های حیرت و همکاران (۲۷) می‌باشد که نشان دادند بین ابعاد سبک زندگی با رویکرد اسلامی و سازگاری زناشویی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین این نتایج در راستای یافته‌های پورمیدانی، نوری و شفتی (۲۸) می‌باشد. یافته‌های ایشان حاکی از آن بود که سبک زندگی می‌تواند ۲۰ درصد واریانس رضایت زناشویی را تبیین کند.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت تغییر سبک زندگی، تغییر در باورهای ناکارآمد زوج‌ها، بهبود مبادلات کلامی، روابط جنسی و هم‌سوئی در چگونگی حل مشکلات زندگی را باعث می‌شود. سبک زندگی مبتنی بر همکاری و اهداف مشترک، زندگی توأم با رضایت و سازگاری زناشویی را به دنبال دارد. افراد با اصلاح سبک زندگی خود می‌توانند تمایلات خودخواهانه خود را کنار گذاشته و اهدافی با گرایش اجتماعی بالا را برگزینند.

نتایج آزمون نشان داد بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و سبک زندگی در افراد متأهل رابطه معناداری وجود ندارد. این یافته‌ها تا حدودی در راستای یافته‌های علیجانی (۲۹) می‌باشد که نشان داد هوش معنوی قادر به پیش‌بینی سبک زندگی نمی‌باشد. این یافته‌ها بر خلاف یافته‌های خضری (۳۰) می‌باشد که نشان دادند هوش معنوی با مولفه‌های سبک زندگی رابطه دارد.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت افراد دارای جهت‌گیری دینی بیرونی، به لحاظ نظری دارای باورهای دینی هستند که فقط نقش ابزاری دارند و دین را صرفاً وسیله‌ای برای نیل به اهداف و مقاصد دیگر در نظر می‌گیرند (۳۱). این اشخاص ممکن است دین را به صورت مختلف برای رسیدن به اهداف شخصی خود از جمله: برای فراهم کردن امنیت، سکون خاطر، معاشرت و سرگرمی، شان و حیثیت اجتماعی و خود را بر حق جلوه دادن و غیره بکار ببرند. اینان یا به عقاید دینی خود اعتقاد راسخ ندارند یا آنها را متناسب با نیازهای خود گزینش کرده و شکل می‌دهند. مذهب بیرونی ابعاد غیر روحانی و سکولار زندگی را برای فرد مقدم‌تر از ابعاد الهی و روحانی آن می‌نماید. این افراد مذهب را یک عادت ملال‌آور و تشریفاتی صرفاً فرهنگی، جشنی و سنتی می‌دانند که برای آرامش خانوادگی و شخصی قابل استفاده است (۱۳).

نتایج آزمون نشان داد رابطه معناداری بین جهت‌گیری مذهبی درونی و سبک زندگی در افراد متأهل وجود دارد. این یافته‌ها در راستای یافته‌های جعفری منش، توان، مطوری و رنجبران (۳۲) می‌باشد که نشان دادند بین جهت‌گیری مذهبی درونی با تمامی جنبه‌های کیفیت زندگی ارتباط معنی‌دار وجود دارد. همچنین این یافته‌ها منطبق بر یافته‌های سلاجقه (۳۳) می‌باشد که ارتباط معناداری میان هوش معنوی دیربان و سبک زندگی اسلامی یافت.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت فردی که دارای جهت‌گیری دینی درونی است، به تمامی اعتقادات دینی خود پایبند است و تحت هر شرایطی به فرامین دینی عمل می‌کند. افراد دارای جهت‌گیری دینی درونی، سعی می‌کنند ارزش‌ها و باورهای دینی را درونی کرده و به طور کامل دنبال کنند؛ بدین معنا که افراد با دین خود زندگی می‌کنند. از آنجاکه این افراد تعالیم دینی را درونی کرده‌اند، بهتر می‌توانند با دیگران مدارا و رفتار کنند. در دین‌داری درونی، فرد

adjustment: Concurrent and prospective associations with psychosocial vulnerability. *Journal of Behavioral Medicine*, 30, 1-10.

6. Hamidlou Z. (2016). The relationship between personality traits and religious orientation with marital adjustment and satisfaction in female students in Qom. Master Thesis in General Psychology, University of Guilan.

7. Dillon DG, Deveney CM, Pizzagalli D.A. (2011). From basic processes to realworld problems: how research on emotion and emotion regulation can inform understanding of psychopathology, and vice versa. *Emotion Review*, 3, 74- 82.

8. Manjezi F, Shafiabadi A, Sudani M. (2017). The effectiveness of communication skills training with Islamic approach on marital satisfaction of couples. *Knowledge and Research in Applied Psychology*, 13 (47), 3-10.

9. Kamri Sangarabadi S, Fathabadi J. (2012). Investigating the role of religious orientation and life expectancy in life satisfaction. *Journal of New Psychological Research*, 7 (28), 159-178.

10. Mortazavi Kh, Seidi Z. (2016). The relationship between religious orientation and happiness and mental health in students. *Breeze of Health (Family Health)*, 5 (3), 62-68.

11. Zullig KJ, Ward RM, Horn T. (2006). The Association Between Perceived Spirituality, Religiosity, and Life Satisfaction: The Mediating Role of Self-rated Health. *Social Indicators Research*, 79(2), 225-274.

12. Ansari M. (2013). The relationship between social adequacy and religious attitude with high-risk behaviors in high school adolescents in District 1 of Qazvin city. Master's thesis in educational sciences of Qazvin Islamic Azad University.

13. Allport GW, Ross M Jr. (1967). Personal Religious Orientation and

هر فرد هم ممکن است به واسطه باورهای قلبی وی یا به واسطه قواعد جامعه ای باشد که در آن قرار گرفته است. اما در این بین به نظر می رسد آنچه که عمیقاً رفتار انسان را جهت دهی می کند چیزی است که به آن باور قلبی دارد. به بیان دیگر اگرچه ممکن است باید و نبایدهای هر اجتماع تا حدی بر رفتار افراد آن جامعه تاثیرگذار باشد، اما در نهایت آنچه که هر فرد به عنوان اصل برای خود در نظر داشته، آن را تداوم داده و مبنای عمل خود در زندگی قرار می دهد، افکار و باورهایی است که به آنها ایمان دارد.

عدم توانایی محقق در کنترل همه متغیرهای موثر در سازگاری زناشویی از جمله نامتجانس بودن وضعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نمونه ها و شرایط خاص دوران کرونا از محدودیت های پژوهشی بودند که در اجرا و جمع آوری داده ها مشکلاتی را ایجاد کردند. با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهاد می شود که از نتایج این پژوهش در کلینیک ها و مراکز روانشناسی برای مراجعین استفاده ببرند و با توجه به نقش مثبت جهت گیری مذهبی درونی بر سازگاری زناشویی، آموزش تقویت باورهای دینی، برگزاری نشستهای آزاداندیشی و مباحثه در خصوص باورهای معنابخش به کار و زندگی توصیه می شود. همچنین با توجه به تاثیر سبک زندگی بر سازگاری زناشویی و همچنین نقش میانجی سبک زندگی در جهت گیری مذهبی درونی بر سازگاری زناشویی، پیشنهاد می شود از طریق آموزش تغییر سبک زندگی به زوجین کمک کرد تا با اصلاح سبک زندگی خود، باعث غنی سازی سازگاری خود در روابط زناشویی گردند.

References

1. Zarei I, Mirzaei M, Sadeghifard M. (2018). Provide a model to explain the role of communication skills and problem solving skills in preventing psychological and social harms mediated by family conflicts. *Journal of Counseling and Psychotherapy Culture*, 9 (35), 1-26.
2. Bharambe KD, Baviskar PA. (2013). A study of marital adjustment in relation to some psycho-socio factor. *International Journal of Humanities and Social Science Invention*, 2, 8-10.
3. Mondol J. (2014). *Marital Adjustment: Extension of psychophysical wellbeing*. India: LAP Lambert Academic Publishing.
4. Whisman MA, Baucom D H. (2012). Intimate relationships and psychopathology. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 15(4), 13-20.
5. Baron KG, Smith TW, Butner J, Nealey-Moore J, Hawkins MW, Uchino BN. (2006). Hostility, anger, and marital

22. Salmabadi M, Kalantarkoshe S M, Shafiabadi A. (2014). Developing a model of marital adjustment according to the Islamic lifestyle and perfectionism of high school teachers in Birjand. *Consulting research*, 13 (52): 73-51.
23. Ali Nejadi F. (2014). Developing a model of marital incompatibility according to lifestyle and religious orientation in couples seeking divorce in Tehran. Master Thesis in Family Counseling. Allameh Tabatabai University, Faculty of Educational Sciences and Psychology.
24. Roeeen tan F. (2013). The relationship between religious orientation and the quality of love with marital compatibility. Master Thesis in Counseling. Islamic Azad University, Marvdasht Branch. Faculty of Education and Psychology.
25. Kaslow F, Robinson J. (1996). Long-term satisfying marriages: perceptions of contributing factors. *The American journal of family therapy*. Vol.24:153-170.
26. Jannati H. (2006). Marriage in Islam, Mashhad: Astan Quds Razavi Publications.
27. Hairat A, Fatehizadeh M, Ahmadi S, Etemadi A, Bahrami F. (2014). The role of couple lifestyle dimensions in predicting marital adjustment. *Women and Society (Sociology of Women)*, 5 (2), 145-158.
28. Pourmidani S, Nouri A, Shafti SA. (2014). Relationship between lifestyle and marital satisfaction, *Family Studies*, 10 (39): 331-334.
29. Alijani S. (2015). Emotional intelligence, spiritual intelligence and lifestyle among students of Islamic Azad University, Najafabad Branch, Congress of the Iranian Psychological Association, Iranian Psychological Association.
30. Khezri A R, Mohammadi M, Asadi L, Dehghani A. (2019). Factors Affecting Spiritual Intelligence and Religious Beliefs in Medical Students: A Review Study, Third National Conference on Lifestyle and Health, Yazd.
- Prejudice. *Journal of Personality and Psychology*. Vol5. pp 432-44.
14. Parsamehr M, Rasouli Nejad SP. (2015). Investigating the relationship between health-oriented lifestyle and social health among the people of Talesh. *Social Development*, 10 (1), 35-66.
15. Whisman MA, Weinstock LM. (2004) Psychopathology and marital satisfaction: The importance of evaluating both partners. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 72, 830-838.
16. Myers S, Gamest G, Garino A G. (2012). *Applied multivariate research*. Translated by Hassan Pasha Sharifi, et al. Tehran: Roshd. (Date of publication of the work in the original language, 2006).
17. Hollist CS, Miller RB. (2005). Perceptions of attachment style and marital quality in midlife marriage. *Family Relations*, 54(1), 46-57.
18. Yousefi n. (2010). Comparison of the effectiveness of two family therapy approaches based on schema therapy and Bowen emotional system on initial incompatibility schemas, self-segregation, attachment styles and divorce desire in Saqqez divorce applicants. PhD Thesis in Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan.
19. Arian K. (1999). Investigating the relationship between Religiosity and Psychiatry of Iranians Residing in the United States PhD Thesis in Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran.
20. JanBozorgi M. (1999). Investigating of the effectiveness of short-term psychotherapy with and without religious orientation on the control of stress anxiety. PhD Thesis in Psychology, Tarbiat Modares University.
21. Lali M, Abedi A, Kajbaf M. (2012). Construction and validation of a lifestyle questionnaire (LSQ). *Psychological Research*, 15 (1), 0-0.

31. Mehrabi Taleghani S, Sohrabi F. (2011). Comparison of the relationship between religious orientation (internal-external) with hardness in male and female students. *Psychological Studies*, 7 (2), 155-172.
32. Jafari Manesh H, Tavan B, Motavari P, Ranjbaran M. (2017). The Relationship between Religious Orientation and Students' Quality of Life, *Medical Ethics*, 11 (40): 15-27.
33. Seljuk A. (2021). Investigating the Relationship between Islamic Lifestyle and Teachers' Spiritual Intelligence, *New Advances in Educational Management*, 1 (4): 7-16.
34. Khaninzadeh Srizadi M, Ejei J, Mazaheri M. (2005). Comparison of attachment style of students with internal and external religious orientation. *Journal of Psychology*, 9 (3 (35 consecutive) Special Issue on Psychology and Religion), 228-247.
35. Rafikhah M, Naghizadeh Z, Faizi Z. (2018). The mediating role of Islamic lifestyle in the correlation between religious beliefs and quality of life; Case study of the visitors to the International Quran Exhibition. *Islamic lifestyle with a focus on health*, 3 (1): 15-20.